

میدون و سوفیا

قضیه ملخ مسئولان!



- سلام سوفیا!

می دانستی عیسی کلانتری، رئیس سازمان محیط زیست گفته: «جنگل‌های کشور به لحاظ اقتصادی ارزش سرمایه‌گذاری برای اطفای حریق را ندارند و آتش‌سوزی‌ها مثل حمله ملخ‌ها به چیز طبیعی!»

نمردیم یکی حرف درست را زد. کاش همه راستش را می‌گفتند.

مثلا رئیس‌جمهور می‌گفت آینده کشور به لحاظ اقتصادی ارزش سرمایه‌گذاری ندارد و موریانه از بین خواهند رفت و این یک چیز طبیعی است! یا وزیر آموزش‌وپرورش بگوید بچه‌های مردم به لحاظ پیداکردن شغل در کشور ارزش سرمایه‌گذاری ندارند و به‌رحال بی‌کار و علاف خواهند شد و این یک چیز طبیعی است!

یا وزیر بهداشت بگوید آینده مردم به لحاظ سلامتی ارزش سرمایه‌گذاری ندارد و مردم مثل موریانه از بین خواهند رفت و این یک چیز طبیعی است! یا وزیر آموزش‌وپرورش بگوید بچه‌های مردم به لحاظ پیداکردن شغل در کشور ارزش سرمایه‌گذاری ندارند و به‌رحال بی‌کار و علاف خواهند شد و این یک چیز طبیعی است! همچنین حالی سوفیا. کاش همه راستش را می‌گفتند!

زیر آسمان شهر

به‌بهانه‌روز جهانی بیماری‌ام‌اس

مخفی‌کاری

دکتر محمد طاهری ـ داروساز

● الف) خانم جوانی در بین بیماران با دقت به اطراف می‌نگریست، پس از مکنی طولانی آرام‌آرام به سمت جایگاه دکتر داروساز و مسئول داروخانه آمد. نگران این بود که کسی صحبت‌هایش را نشنود. در سربرگ ویزیت پزشک داروی Diphosel را نشانم داد و گفت آیا می‌تواند این دارو را از من بدون طی‌کردن پروسه نسخه‌یچی و ثبت مشخصات بیمار در سیستم اطلاعات داروخانه دریافت کند؟

برایم تعجب‌آور بود! گفتم آیا قیمت این دارو را می‌دانی؟ گفت بله.

گفتم می‌دانی که بیمه‌ها تقریبا صددرصد هزینه داروی تو را پوشش می‌دهند؟ و اگر به صورت آزاد بخواهی دریافت کنی باید بیش از یک میلیون تومان بپردازی؟ گفت مشکلی نیست.

کنجکوامی! بیشتر شد، سعی کردم به او اطمینان بدهم که با دانستن موضوع بیشتر می‌توانم به او کمک کنم و بعد از اعتماد و رفع نگرانی‌اش به من گفت: بیماری‌ام ام‌اس است، ولی دوست ندارم کسی بفهمد، چون در صورت استفاده از دفترچه درمانی‌ام می‌ترسم کارفرما و محل کارم به بیماری و شرایط من پی ببرند و کارم را از دست بدهم!

ب) مرد جوان بعد از پرداخت هزینه دارویش موقع تحویل داروی Rebif به من گفت آیا می‌تواند خواهشی داشته باشد؟ گفتم بله، حتما.

گفت: آیا ممکن است داروی من در یخچال داروخانه امانت نگهداری شود و برای ویراب استفاده از دارویش به اینجا بیاید. با تعجب پرسیدم این امکان برای ما نیست، اما چرا چنین خواسته‌ای داری؟ گفت چون خانواده، دوستان و همکارانم هیچ‌کدام هنوز از بیماری ام‌اس من خبر ندارند و نمی‌دانم که واکنش‌هایشان به این موضوع چه باشد...

چند روز قبل (۳۰ می ۲۰۱۹) روز جهانی بیماری ام‌اس بود و سازمان‌های بین‌المللی در حوزه سلامت با ارائه برنامه‌های مختلف با شعار «همه با کمک یکدیگر ام‌اس را شکست دهیم» سعی کردند توجه عموم را به این بیماری ناشناخته جلب کرده و با آگاهی‌بخشی در جهت کمک به سلامت بیماران درگیر با ام‌اس و بهبودی آنها حرکت کنند.

به تجربه شخصی خود در مواجهه با بیماران روزافزون ام‌اس معتقدم یکی از معضلات درگیرکننده آنها، ترس از نگاه و برخورد آشنایان، کارفرما و همکارانشان با آنها بعد از پی‌بردن به بیماری‌شان است. بیماران ام‌اس مشکلات پیدا و پنهان بسیاری دارند؛ از کمبود بعضی از برندهای دارویی مصرفی آنها تا هزینه‌های درمانی تشخیصی و مشکلات روحی- روانی حاصل از مواجهه با این بیماری، اما مشکلات پنهانی نیز وجود دارند که شاید در نگاه اول سطحی بوده و آنچنان قابل اعتنا نباشند، اما در صورت عدم ارائه تدبیر و فرهنگ‌سازی در جهت رفع آنها می‌توانند عمیقا در بیمار تأثیر فراوانی داشته باشند و اضطراب همراهش او را سایه‌به‌سایه دنبال کرده و حتی اقدامات حمایتی و درمانی را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد.

ام‌اس بیماری ناتوان‌کننده‌ای نیست، اگر همه ما دست در دست هم دهیم و برای حل مشکلات و بیماران چاره‌اندیشی کنیم.

در اینجا از سازمان‌های مردم‌نهاد، مسئولان حوزه‌های مختلف؛ از سلامت، کار، رفاه اجتماعی و دست‌اندرکاران فرهنگی دعوت می‌کنم برای حل بعضی از معضلات پنهان این بیماران قدم پیش گذاشته و با هم‌اندیشی و تصمیمات عملی و تلاش در جهت فرهنگ‌سازی مرهمی باشیم بر این دردهای پنهان.

شترق روزنامه

سه‌شنبه ۴ تیر ۱۳۹۸ • ۲۱ شوال ۱۴۴۰ • ۲۵ ژوئن ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۵۹ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

آتجل بولیگان



قصه‌های شهر

پیام انگیزشی کافئین‌دار

گفتم روی همان اسپرسو کمی آب جوش بریزید، می‌شود امریکانو. احساس کردم صاحب مغازه از این اظهار فضل من خوشش نیامد و به همین خاطر بلافاصله اضافه کردم: مشکلی نیست، هر قهوه‌ای که دارید بدهید.

برای شیرین‌ترشدن پایان این حکایت باید بگویم که در نهایت همان نسکافه را خوردم، اما باور بفرمایید غرضم از تعریف‌کردن این ماجرا این نیست که بگویم شناختن انواع قهوه نشانه فرهیختگی است یا مردمی را که دورتر از پایتخت زندگی می‌کنند زیر سؤال ببرم؛ اتفاقا در بین همین مردم علایق و حرکت‌های بیشتری در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دیده‌ام. اصلا بگذارید ماجرا را جور دیگری تعریف کنم؛ چند شب پیش داشتم فیلم مستندی از زندگی دکتر ژاله آموزگار را که از تلویزیون پخش می‌شد می‌دیدم. خانم دکتر آموزگار یکی از چهره‌های برجسته زبان‌های باستانی و اسطوره‌شناسی ایران است که سال‌هاست به کار تحقیق و ترجمه و تدریس مشغول است. جایی در آن ۱۵! در اینجا دچار اندوه روشنگرانه می‌شوم و از موضوع درمی‌گذرم) ... اما در کمال شگفتی در همه این شهرها مکانی وجود داشته با تابلوی بزرگ کافی‌شاپ.

معلوم است که داخل آنها رفته‌ام و اغلب تنها نوشیدنی کافئین‌داری که نصیب شده همان نسکافه معمول خانگی بوده است. در یکی از همین دیدارهای شیرین نگاهی به منوی شیک نصب‌شده روی دیوار انداختم و تقاضای کاپوچینو کردم. فروشنده گفت نداریم، نگاه دیگری انداختم و گفتم: یک امریکانو بدهید. فروشنده شانه‌ای بالا انداخت و گفت: نداریم، اما اگر بخواهید اسپرسو داریم. از آنجا که دلم می‌خواست گامی در جهت آموزش قهوه‌خوری به آحاد ملت بردارم با مهربانی

نکته

مآونپاهندگان

چند روز پیش روز جهانی پناهندگان و آوارگان بود. برنامه‌های مختلفی برگزار شد و شاید همه بر این نکته توجه داشتند: «صلح آنچه است که پناهندگان سریعاً به آن نیاز دارند». آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد، از بشردوستی کشورهایی که با وجود دست‌به‌گریبان‌بودن با چالش‌های اقتصادی و نگرانی‌های امنیتی، میزبان پناهندگان هستند، قدردانی کرد و سوآلی را نیز مطرح کرد و پرسید: «میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به جنبش روز



فریدون مجلسی

دریا گسترده‌ترین بزرگراه ارتباط و مبادلات دوردست تجاری و مدنی است. روز جهانی دریانوردی یادآور همین نقش تمدنی دریا است. ساختن قایق‌های بزرگ از دسته‌کردن و به‌هم‌بافتن نی‌های سواحل فرات برای جابه‌جایی انسان‌ها و حمل بار و غذا قدمتی به‌اندازه تمدن سومر دارد. همین مسیر از فرات تا خلیج فارس و به سوی هند ادامه یافت و عرب‌های سواحل جنوبی خلیج فارس را به دریانوردان تاریخی بدل کرد که تبادلات تجاری آنان تا آفریقا کشیده شد و شامل تبادل انواع کالاها از جمله پرندگان از زنگبار و سواحل غربی آفریقا بود. ایرانیان که از فلات‌های دوردست آسیای مرکزی با

اسب آمده بودند، دیرتر پا به دریا گذاشتند. کمبوجیه

یا کامبیز هخامنشی نیز از راه خشکی خود را رساند. داریوش که ضمن پادشاهی پارس، فرعون مصر بود و اهمیت رود بزرگ نیل را در کشاورزی و بازرگانی مصر تا دوردست‌های مدیترانه می‌دانست، برای توسعه اقتصادی آن منطقه دستور داد کانالی از پایان‌دست نیل به دریای سرخ حفر کردند و با اتصال دریای سرخ به مدیترانه، از طریق کانال رود نیل، این خط ارتباطی و تمدنی میان سه قاره را توسعه بخشید. بار دیگر خشایارشا، فرزند داریوش، در جنگ یونان باید از دریا می‌گذشت. با توجه به اینکه ایران سرزمینی دریایی نبود، برای عبور از دریا متوسل به دریانوردان فینیقی، یعنی ساکنان لبنان کنونی می‌شد. فینیقی‌ها دریانوردان مدیترانه بودند و دولت و تمدن کارتاژ را در تونس بنانهادند. در برنامه عبور خشایارشا از دریا، ماندرو، مهندس ایرانی، با به‌هم‌بستن و مهار قایق‌ها پلی شناور برای عبور پیاده‌نظام و تجهیزات سپاه ایران

پشت تاریخ

ایران ودریا!

بر بسفر نصب کرد. در دوران‌های بعدی سخن از ارتباطات دریایی میان ایران با سواحل شرقی آفریقا و زنگبار و حتی مهاجرت شیرازیان به آن سواحل و همچنین به سواحل هند و زیادهادات یعنی سیام تا جنوب چین بسیار است اما ملاحان اغلب عرب بودند. در قرن ۱۵ دریانوردان اروپایی از پرتغال، هلند، اسپانیا و سپس انگلستان و فرانسه دریافتی جهان را عرصه رقابت‌های اقتصادی و نظامی خود قرار دادند. در قرن ۱۶ که جزایر ایران در خلیج فارس در اشغال پرتغالی‌ها بود، به همت شاه عباس ارتش ایران دارای نیروی دریایی شد و به سرداری امامقلی، پرتغالی‌ها را از خلیج فارس بیرون کرد. بعد از صفویه، نادرشاه و کریمخان زند نیز به موازات ناوگان تجاری ناوگان دریایی دفاعی‌ای در حد توان تشکیل دادند که به فرازنوشب در عصر جدید به قابلیت در حد و شان کشور ایران دست یافت و امید می‌رود بتواند از بلیات جهان جان به در برد.

کودکان

زمین و آسمان و تخیل

با طلوع خود، روشنی را پدید می‌آورد و شادی آنها را نوید می‌دهد؛ ماه و ستارگانی است که شب‌ها قسمت کوچکی از آنها را -به‌اندازه پنجره‌های آپارتمان محل زندگی‌شان- می‌توانند ببینند. سفینه‌های فضایی و فضا‌نوردان را کودکان در تلویزیون دیده‌اند و اغلب آنها را در نقاشی‌های خود نشان می‌دهند. گاهی هم موجودات عجیبی را به‌عنوان آدم‌های فضایی ترسیم می‌کنند که خودشان هم از آنها می‌ترسند.

برای کودکانی که می‌توانند گاهی بادبادک هواکنند و این بازی رؤیایی را انجام دهند، فضا جولانگاه بادبادک‌ها است. برای بچه‌هایی که سوار هواپیما شده‌اند، فضا جایگاه پرواز هواپیماها است.

این‌ها تصویری است که کودکان از فضا دارند و آنها را در نقاشی‌های خود نشان می‌دهند. علاوه بر این‌ها کودکان گاه در نقاشی‌هایشان پدیده‌های زمینی را نیز با خود به فضا می‌برند: گل و گیاه و آب و پرند -عنصر ابرعه کودکان- و خودشان، بی‌آنکه در درون سفینه‌ای باشند. آزاد و رها در فضا گردش می‌کنند. در کنار همه این‌ها، از جنگ ستارگان نیز غافل نمانده‌اند و هرقرده که صفحه کاغذشان جا داشته، تفنگ و تانک و هواپیمای جنگی را همراه با خیل سربازان، به فضا برده‌اند تا نشان دهند که در جنگاوری نیز دست‌کمی از بزرگ‌ترهای خود ندارند. کودکان گاهی برای رفتن به فضا، از وسایل دیگری جز سفینه در نقاشی‌های خود استفاده کرده‌اند که نشان‌دهنده تخیل و رؤیاهای آنها است. اسب، پرند، بالون، ابر و بادبادک فضاییماهای کودکان هستند و جالب است که اغلب خود سوار بر آنها می‌شوند و گاهی پدر و مادرشان نیز سرتشبان فضاییماهای تخیلی آنان هستند.

جالب‌ترین نقاشی‌ها در این مورد، سفر کودک و اعضای خانواده‌اش همراه با سماور و بساط صبحانه آنها بود که روی قالیچه قرار داشت و در فضا حرکت می‌کردند و خودش می‌گفت که این قالیچه حضرت سلیمان است که با آن به فضا رفته‌ایم.

آنچه درباره فضا برای کودکان جالب است، شوق پرواز است؛ فضا برای کودکان، پرواز را تداعی می‌کند که از آرزوهای همیشگی آنهاست. کودکان به علت تحرک، کنجکاوی و میل طبیعی به شناخت، دوست دارند همه‌جا بروند، همه‌چیز را ببینند و چون اغلب، امکان این کار را ندارند، پرواز برای آنان آرزوی بزرگی است. انتخاب موضوعات مناسب برای نقاشی‌های کودکان، به‌ویژه موضوعات تخیلی، این امکان را برای آنان فراهم می‌کند که آرزوها و تخیلات خود را در نقاشی‌هایشان منعکس کنند و از این راه، هم‌ما از آرزوها و تمایلاتشان شناخت بیشتری پیدا می‌کنیم و هم آنان با بیرون‌ریزی خواسته‌ها و رؤیاهایشان به آرامش بیشتری دست می‌یابند.

دور دنیا

ضعیف‌ترین واحد پول دنیا

به‌زودی به همسایه‌های نزدیک آسیایی خود می‌رسد. ۳- روبیه اندونزی (۱ دلار آمریکا= ۱۴۲۳۷ روبیه اندونزی) اندونزی از لحاظ اقتصادی ثباتی و کشوری توسعه‌یافته در جنوب‌شرقی آسیاست. اما پول آن هنوز نرخ مبادله پایینی دارد. سیاست‌مداران آن کشور همه‌گونه اقدامی برای تقویت پول ملی انجام داده‌اند اما حاصل همه این اقدامات تغییرات نامحسوس بوده است.

در رده‌های بعدی فهرست ۱۰ پول ضعیف به‌ترتیب فرانک کینه (دلار آمریکا= ۹۱۹۸ فرانک کینه)، کیپ لانوس (۸۵۵۰)، لنون سیرالئون (۸۴۴)، سوم ازبکستان (۸۳۳۶)، ریل کامبوج (۴۰۱۶) و شیلینگ اوگاندا (۳۷۱۴) قرار دارند.

در خارج از این جدول و در میان ارزهای مهم به لحاظ تغییر ارزش اسمی توسط دولت، پول ملی این سه کشور قرار دارند که نرخ مبادله آنها با یک دلار آمریکا قبل از تغییر ارزش اسمی در پرازنتر است: بولیوار ونزوئلا (۲۴۸۴۸۷)، دوبرا ساوتومه (۲۲۶۹۱)، روبیل بلاروس (۲۰۸۴۶).



فاطمه قاسم‌زاده

نقاشی کودکان، به‌ویژه در سنین پیش‌دستانی وسیله‌ای برای بیان آرزوها، خواسته‌ها و عواطف آنان است و به کمک آن می‌توان به دنیای تخیل‌آمیزشان راه یافت. سال‌های پیش از دبستان برای بیان آزاد تخیلات کودکان از دو جهت اهمیت اساسی دارد. اول اینکه این سال‌ها دوران رشد و شکوفایی تخیل کودکان است که از دوسالگی با پیدایش توانایی تجسم، یعنی به‌یادآوردن اشیا و پدیده‌ها در غیاب آنها، آغاز می‌شود و در شش و هفت‌سالگی با رسیدن کودکان به مرحله تصویرگری در رشد تریسمی خود، به اوج می‌رسد.

دوم اینکه با وجود کاربرد برخی شیوه‌های نادرست در نقاشی کودکان پیش‌دستانی، به علت اینکه در این دوره هنوز نمزه - این معیار سرکوبگر خلاقیت - و اجبار کودکان به کشیدن تصاویر خاص، معمولاً در کار نیست، تصاویری که کودکان می‌کشند، بیانگر تخیلات و تگرش‌های آنهاست.

با توجه به این نکات، برای آشنایی با رؤیاها و تصورات کودکان از زمین و فضا که همیشه مورد توجه آنها بوده است، دو موضوع به کودکان پنج، شش ساله (آمادگی) داده شد:

- زمینی که دوست می‌دارم.
 - در فضا چه چیزی هست؟
- نقاشی‌های کودکان در این دو زمینه، نشانگر تخیل آزاد و خلاق آنهاست و نگاه کودکانه و نقادانه آنها را نسبت به زمین و فضا نشان می‌دهد.
- برای شش‌پنجاه کودک که در جمع‌بندی خطوط کلی محتوای آنها به تفکیک هر دو موضوع، می‌پردازیم:
- الف- نقاشی‌های مربوط به زمین: این نقاشی‌ها را از نظر محتوا می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم‌بندی کرد:
- تصویر زمین آن‌گونه که هست.
- تصویر زمین آن‌گونه که کودکان دوست دارند.
- گروهی از کودکان زمین را آن‌گونه که هست، تصویر کرده‌اند و به‌راستی در بیان زشتی‌ها و آلودگی‌هایی که انسان‌ها بر زمین تحمیل کرده‌اند، توانایی‌های شگفت‌آوری را در نقاشی‌های خود نشان داده‌اند: خیابان‌هایی را که از انبوه ماشین‌ها، ششیه پارکینگ است، دود و گردوخاکی که مانند ابری سیاه از زمین بالا می‌رود، درختان شکسته‌شده و گل‌هایی که از بی‌آبی پژمرده شده‌اند، زمینی که از خشکی ترک برداشته است، رودخانه‌ای که آب ندارد و ماهی‌های آن مرده‌اند، کوه‌هایی که روی آنها خانه ساخته شده است، آدمیانی که باهم دعوا می‌کنند، رفتگری که خیابان‌های کثیف

ریال ایران برای دومین سال پیاپی عنوان ضعیف‌ترین ارز جهان را در رتبه‌بندی سال ۲۰۱۹ سایت جهانی Forex (بازار تبادل ارز خارجی) به خود اختصاص داد.

البته ریال ایران به این واسطه توانست بولیوار، واحد پول ونزوئلا را در رتبه‌بندی شکست دهد (در سال ۲۰۱۷ بولیوار اول و ریال ایران دوم بود) که مقامات بانکی پرتومرتین کشور فعلی جهان دست به تغییر ارزش «اسمی» واحد پولشان زدند تا بولیوار همچنان در خارج از این جدول ولی در جنب آن به شکلی مبهم و پادرو باقی بماند.

خلاصه‌ای از نتایج بررسی ضعیف‌ترین ارزهای خارجی سال ۲۰۱۹ و توضیح سایت fxssx1 را می‌خوانیم:

۱- ریال ایران (۱ دلار آمریکا= ۱۱۲۰۰۰ ریال نرخ بازار سیاه/ ۱ دلار آمریکا= ۴۱۹۹۴ ریال نرخ رسمی) شهروندان ایرانی برای ساده‌سازی محاسبات از اصطلاح تومان استفاده می‌کنند که معادل ۱۰ ریال است. اگر از شما بخواهند ۲۰۰ تومان بپردازید، یعنی ۲۰۰۰ ریال. مسائل سیاسی مختلف و... باعث شد که قدرت‌های